

# شهادت حضرت حسین ابن علی علیه السلام را بتمام شیعیان تسلیت میگوئیم



تحت نظر هیئت تحریریه

قلم: مهدی هاشم نبی

## حوادث اذربایجان از نظر رادیوهای ییکانه

دولت ایران تهاجر کرده است که در کنفرانس مسکو نماینده داشته باشد.

## اخبار اذربایجان

بطوریکه روزنامه آذربایجان شماره ۷۶ در مقاله خود می نویسد: «قرار بود روز ۲۱ آذر اولین جلسه مجلس آذربایجان افتتاح شود.»

در این مقاله اشاره شده:

«این مجلس پارسی در نخستین جلسه به تنظیم نظامنامه داخلی پرداخته قرار است پس از تنظیم نظامنامه مقررات مربوط به داخله مجلس به تشکیل کابینه مبادرت شود. این کابینه موظف خواهد بود برای شروع با اصلاحات برنامه‌ای تنظیم و تقدیم مجلس کند.»

کابینه موظف خواهد بود برای نظارت در اجرای قانون قوای مسلحی تشکیل دهد.

آقای حاجی زین‌العابدین رحیم زاده خوبی از طرف اهالی میانه با داهن در حدود ۸۵۰۰ رای بنایندگی مجلس آذربایجان انتخاب شده است.

در جلسه اینکه با حضور آقایان پشته وری، قیاسی، ابراهیمی و هشتیرویات و فونشنهای تشکیل شده بود، در مورد تهاجرات آذربایجان مذاکرات مفصلی بعمل آمده و صورت آقای بیات حاضر شده است تهاجرات بقیه در صفحه ۴

## حقایق اوضاع در عراق عرب

بهناسبت دستگیری چهل نفر از کمونیستهای آن کشور

عراق و پیمان ضد کمونیسم

کشور عراق - طبقه حاکمه آن - نیروهای فعلی مسلح انگلیسی در عراق - ارتش عراق - پلیس و پلیس سری در عراق - سانسور روزنامه ها - انتقادات مجلس - نهضت آزادیخواهی در آن کشور شعبه های عراق - حر به تکلیف کمونیسم - سابقه عباس مهدی اولین وزیر مختار مسکو - قانون ضد کمونیسم عباس مهدی - یک داستان شیرین و حقیقی

درباره آنگاه سازمان . اکنون ملت آزادی گوست و زحمتکش عراق عرب در زیر یوغ بنیه در صفحه ۲۶

## شهادت حسین ابن علی علیه السلام

بیش از هزار و هشتاد سال از تاریخ که حسین ابن علی علیه السلام در راه مدینه و مدینه یمن بر علیه یزید بن معاویه و در راه مدینه و مدینه یمن بر علیه یزید بن معاویه و در راه مدینه و مدینه یمن بر علیه یزید بن معاویه...

دولت اسلام که بر اساس حریت و مدارات استوار است در حیات پیشین و دوره خلفای راهبین خلوص و صدای خود را حفظ نمود و حکومت عادلانه ای بوجود آورد که نمونه های آن هنوز در خراب الملل خاص و عام است.

پس از آنکه «لواء اسلام» تا حدود ایران و روم توسعه یافت و فزاینده ای نسبت به سایر ملل فاتح گردید، دست ای منصف جو و عدل که سرسلطه آنها خاندان نبی امیه بود با تمام قوا و حیل و تدبیری که در خود سراغ داشت پهن و پهن گردید. در دستکاه حاکم اسلام با بر جا و مستقر میگردید.

معاویه و در حواس سلسله جنایتان این دار و دسته فاسد وجود علی ابن ابیطالب علیه السلام و یاران مجاهد او را بر گزین مانع انجام مقاصد خود نمودند. از این جهت در دوره خلافت پنج ساله علی امیر المؤمنین آتش فتنه و آشوب و تشییع حکومت مگروری را در من زنده و با روشن کردن چنگ های چهل ، مدین و خوارزم سی سکرده مقاومت عناصر صالح و مقدس به اصول اسلام را در هم شکست و بالاخره پس از اجرای توطئه شهادت علی علیه السلام توانستند بدون درنگ حکومت اسلامی را بپوشانند.

از اسلام تاریخ بینه یک دهه منصف جو ، بی تدبیر و فاسد که بومی از اسلام برده و مصلای اصول و قوانین را در من زنده و با روشن کردن چنگ های چهل ، مدین و خوارزم سی سکرده مقاومت عناصر صالح و مقدس به اصول اسلام را در هم شکست و بالاخره پس از اجرای توطئه شهادت علی علیه السلام توانستند بدون درنگ حکومت اسلامی را بپوشانند.

حکومت نبی امیه تمام امتیازات کهنه و پوسیده را که اسلام بدان پشت پا زده بود زنده کرد - اسلام تسلیم داده بود که مسلمانان هر کسی را در حق شمولی داشته و هر کسی حق علیه هم که باشد میخواند برای خود امتیازاتی است به دیگران قائل بود - طرز رفتار پیشین اسلام و خلفای راهبیت با مسلمانان نمونه علی ابن ابیطالب بود. ولی حکومت نبی امیه به این اصل پشت پا زد و بساط درباری امپراتوری های ایران و روم را در مورد خلافت هم عملی ساخت.

اسلام تسلیم داده بود که اصول برتری آزاد واحد و خلیف شدن نزد های دیگر باید از میان برود و روی همین اصل در صدر اسلام بین ایرانی ، رومی ، حبشی ، زنگباری و آزاد عرب تفاوتی قائل نبودند و کافه مسلمانان از حیاتی که قانون عادلانه برور اسلام برای آنها قائل شده بود بهره مند میگردیدند حکومت نبی امیه این اصل را هم پشت نمود و بساط تفرق آزاد عرب و زیر اسارت گرفتن و غارت و خلیف شدن ازادهای دیگر را دوباره برقرار ساخت.

تجمل و تروت بی پایان در بین اقلیت حاکم نبی امیه که مستغوی ها و سپاهی های خود بودند از یکطرف و فقر و بی خانمانی و گرسنگی در بین اکثریت ابروه مسلمانان از طرف دیگر کسر نما بود - مسافر مهم اسلام را اشخاص فاسد و نالایق مانت این زیاد ما و این همه ما و مرادها تشکیل میدادند و هر خلقی که از آن ندهای آزادی و اسلام حقیقی بلنه میزد فوراً دست حمال نبی امیه خفه میگردید.

یاران حقیقی پیشین و موافقین واقعی اسلام در خفا میزیستند و این اوضاع مصیبت بار برایان تحمل ناپذیر بود - در حقیقت نبی امیه ، یک حکومت فاسد ، بی رویه و منصف جویانه را بنام اسلام قالب کرده بودند - به تمام انترامیستنه و آیات اورا بنحویکه با منافع خردشان موافق باشد تمبر و تفسیر می نمودند اینها در حقیقت صدای واقعی آن خردمندان کریم بودند که در سوره انعام مقرر شده:

## آخرین اخبار راهیو

رادیو آنگارا ساعت (۱۴:۱۵) در بلغارستان

«ژرژ پتروف» برهات گروه پارلمانی حزب کمونیست انتخاب شد

در یونان

دست معزول که قانوت مینی بر طو قسمتی از زندانیان ، در عرض این هفته نشر و اجرا خواهد شد .

دولتان ادعا میکنند که در صورت اجرای این قانون معتقد در سه میلیون آزاد خواهند شد . ولی مسائل دست چپ معتقدند که فقط با این ترتیب پنجاه درصد میلیون آزاد میشوند.

اظهار میشود که در حین تنظیم طرح قانون مباحثات همدی درمیش و ژورنا روی داده است . وزیر خارجه و وزیر راه گستری چند نفر دیگر از وزراء گروهی تشکیل داده و طرفدار آزادی شده کثیری از محبوسین بودند و حتی کابینه را با استعفا دست چپ تهدید نموده اند

بقیه در صفحه ۴

## آیا مازندران متشنج است ؟

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دورای مقصد مرکزی اتحادیه کارگران

در طی نامه ها راجع به ناآرامی و وحشت آراش و مراعات مقررات و تقاضای اینکه متذکر میگردیم که کلیه انتشارات بر اساس جرایم درباره تفریح ادعائی مازندران یا همپایه این سامان برای تمام و بیچیز در حقیقت ندارد . کمیته ایالتی شورای ایالتی پوسته حامی و حافظ نظم و آراش بوده و خواهان بود و در این صنعت انتظام کامل سکونت است .

تنگرانیهای متناوبه شده برای مطالبه تقاضای چندی از دولت بود که بعضی از آنها مخصوصاً آزادی جرایم تولد شده برآورده شده و امید است که قسمت باقی مانده نیز برآورده شود . اگر دولت مرکزی گوش شنوا داشته باشد و بنگرند که برای اجابت تقاضای حق ملت قدم بردارد و نوع هیچگونه حادثه نامطلوبی مورد تفریح و تهاجد است

کمیته ایالتی مازندران

شورای ایالتی مازندران

## از اصلاحات تدریجی وزارت فرهنگ

آقای رهنما وزیر فرهنگ بدستور آقایان

پنجم اسفندیاری و نجاد و ... مدیرکل می تراشد !!!

مدتی بود آقایان پنجم اسفندیاری ، نجاد ، حاد و ... دست و پا میکردند که آقای نفوق مدیر روزنامه هراز را بطام مدیریت کل فرهنگ مازندران و کرگان و همسوار برسانند و در مقابل نامبرده هم در انتصابات پنج بین اسفندیاری و داروسته او گنه کنند تا اینکه بالاخره روز چهارشنبه ۲۱ آذرماه آقایان پنجم اسفندیاری و نجاد در وزارت فرهنگ حضور یافته و امر کرده که فوراً ابلاغ نامبرده را صادر نمایند آقای رهنما وزیر فرهنگ و بی نظیر فرهنگ ، فرهنگ شهرستانها دستور داده که بلادرنگ اقدام کنند آقای دکتر سعیدی بهر صورت امر نفوق را اطاعت کرده و بکار گزینی نروند ؛ بر حسب مقام وزارت ( یعنی بین اسفندیاری و نجاد و حاد و ... ) ابلاغ آقای نفوق را صادر نمایند ، و ابلاقی باین مشیون نروند و مابین هم

آقای نفوق از این تاریخ بر اساس فرهنگ مازندران - کرگان و همسوار و ... منصوب میشود

الته این جلسه هم در آن مستتر میباشد ؛

که فوراً بپس ماموریت خود رفته و زمینه را برای وکالت آقای پنجم اسفندیاری و همکار با جدید تمام فراهم کند هنوز آقای رهنما بهر دو کر سه خرابه را از کرگان اخطار نمیکرد و سوکر و دست نشانه آقای پنجم اسفندیاری را بنام مدیریت کل فرهنگ سازمانت و گسراکت میرساند و در حین حال مدعی است که همین بی طرف اصلاح طلبی و قوی الزامه است ما میبایم بهم غرضها نگاه کنیم با بسم های بی در بی این آقایان !!! آقای رفیع بر حد باقیه از اینکه در این دست پندپها حرکت کنیم .

## از: دیلی و کر

چاپ لندن

## دسیسه چمبرلین - هیتلر

یا پیمان مونیخ

کیتل فیلد مارشال آلمانی پیش از پیغی واقعه مونیخ را روشن میکنند - آلمان حاضر بچنگ نبود

چندی پیش دسایه گات متفقین سزایان از لزال هالدر آلمانی آوردن و متن ستوال و جواب در جرایم انتقار و این سند از اعطای بسیاری قابل توجه است - هالدر اظهار داشت که در بائز ۱۹۳۸ آلمان برای چنگ حاضر نبود و سیاست مونیخ هیتلری فقط بر پایه « بلوف » استوار بود هالدر اضافه کرد که وی دستیار یک توطئه نظامی برای گرفتن مینیل بود و فقط تصمیم چمبرلین که با هواپیما بسوی برچسکاف پریه مانع از انجام این عمل گردید

ایشرا مصاحبه مقامات رسمی با مارشال کیتل متفرغ گردیده و بتصریح جواب توجیهی اظهارات هالدر را تائید میکند .

باید گنه خود که کیتل و هالدر در دو دست مختلف بوده - کیتل از نوکران هیتلر بود ولی هالدر در دست پندی نظامی که بر علیه او توطئه می- کرده حرکت داشت

بقیه در صفحه ۴

## هزاره ای ها

از ظلم هیئت حاکمه مینالد جناب آقای نخست وزیر و پروتوشت ریاست مجلس شورای ملی رونوشت وزیر دادگستری رونوشت وزیر دارائی رونوشت آقای امیر تیمور رونوشت آقای رحیمیان رونوشت آقای کتابداری رونوشت آقای سید محمد طباطبائی رونوشت روزنامه ایران ما رونوشت رونوشت اقدام رونوشت زندگینوشت و بهر رونوشت داد بر خلاف اصل مانگیزه کاپی املاک موروثی قابل هزاره اداوت ضبط چند میلیون اموال و احشام ما را غارت کرده جرمی ملکی در روز آباد فارس دانه در شهریور ۱۳۲۰ خوانین تقاضای تصرف کرده چهار سال است به تمام مقامات صلاحیت دار عرض حال ننماید و به کوچکترین نتیجه نرسیده ادامه زندگی غیر مقصور تقاضا داریم دستور فرمایند املاک موروثی ما را مسترد نمایند از طرف فاضل هزاره ملی بی هزاره



# حقایق او ضاع در

پایه از صفحه ۱۴

سنگین طبقه‌ها که دست نفاذ استعمار اجنبی بکنی دست و پا بسته و از اسب آزادی و استقلال کاملاً محروم می‌باشد و بنا بر این کسانی که مایلند از انکار و نظریات حقیقی ملت عراق آگاه شوند و نظریات از مطبوعات و روزنامه‌های غیره آن کشور استفاده کرده، اطلاعات صحیحی بدست آورند، بلکه باید یکی از این دو راه را اختیار نمایند؛ یا اینکه در میان توده اسیر و محروم عراقی خاصه طبقه دهقان و کارگر رفته از راه دل آنها با خبر شود و یا اینکه داخل زندانها و اردوگاههای سیاسی (بازداشتگاههای) پرجمعیت آن کشور رفته از زندانیان بپرسد چو چوای وضع کنونی آن کشور غمناک و آرزوی خود را حلی سازد و اطلاعات و معلومات مطلوب را تهیه نماید.

اکنون که جنبه جهانگیریه تهاست برپایان رسیده کشور عراق هنوز همان حالت روزهای نبردالدولین خود را حفظ کرده و سراسر کشور عراق را دستجات مسلح بیگانه پر کرده اند بطوری که منابع معتدل اظهار می‌نمایند فعلاً در حدود دولت است هز ارتش سر با انگلیسی و هندوی مسلح با نیروهای هوایی و موتوریزه کافی در آن کشور اقامت دارند.

ارتش عراق را پس از هوشور رشید عالی گیلانی خلع اسامه کرده و بطوریکه از وطنین ناخشنودان او را چیده و در مقابل بر تنگنای موتوریزه پلیس افروخته و، همانطور که در ایران با حلف دستگانه ملی ارتش تقاضای اضافه دو لشکر تفریحی ارتش را می‌نمایند، در عراق نیز دست همه بودجه و درآمد ملی صرف ملتی و سرور و تکثیر تنگنای موتوریزه پلیس می‌شود. هزاران پلیس منفی از کوه نهند مات حقوق و اضافات و تمام دریاها می‌نمایند و پیوسته برای آزاد کردن همان بارش می‌بارند و خانه‌ها به از عناصر دستکرات و طرزنامه آزادی و ملت و دشمنان بر پلیس منفی احاطه می‌نمایند و کاهها، دستوراتها، خیابانها، استکاماتهای اتوبوسها راه آهن و در سرچهار راه هاو بل پایس های سری مرتبا پاس می‌نهند و رفت و آمد مردم وافر تحت نظر خود می‌گیرند، و هر گاه یکی از رهگذران که حامل چمدان یا بسته‌ای می‌باشد کوچکترین سوه ظنی حاصل نموده فوراً او را متوقف و بازرسی می‌نمایند.

سائورنامه، مراسمات، لشکراف و تلن با شدت هر چه تهاست ادامه یافته و روزنامه ها بدون اشغال مأمورین سائور که غالباً با پلیس مربوط هستند بی توانند حتی آگهی مجلس ترحیم احادی را منتشر نمایند، تلاطم تمام دست مأمورین با اینکه مسئله خواربار از مبرترین مسائل روز بشار میرت با این- وصف روزنامه ها از بحث در اطراف خواربار اکیده متوجه بوده اند. مذاکرات پارلمانی نیز سائور می‌شود، انتصابات مجلس هم تماماً فرمایشی بوده و با اینکه انتصابات عراق قانوناً نیز برده مرحله تقسیم می‌شود و غیر منتظر برای گرفتن می‌شود با این وصف این قانون ناقص و دستمکراسی همه تهاست اجرا می‌شود و چهار پنجم نمایندگان مجلس از طرف بیس و فرمانداران مطلی گانده و با تصرف و مواقت ایفران ارتباط انگلیسی که در عراق شهرها، دهات و قصبات عراق اداره اعلیٰ منفی تهاست می‌نموده و حکومت حقیقی را در دست دارند به مرکز گذارش می‌شود و با مواقت اصل نظر خاص عبداللّه نایب السلطنه عراق برای مجلس تعیین می‌شوند و فقط چند صندلی مجلس را برای عناصر منتقل و افراف منتقل و منتقل می‌دارند که جنبه فرمایشی انتصابات را می‌نمایند.

این بود مختصری از حقیقت اوضاع در عراق عرب که ماسی خواهیم کرد در شماره‌های بعدی این حقایق را مشروح تر بیان کنیم.

و اما راجع به کمیسیم فرمان تا با بد کت که با اینکه کشور عراق تا

# یادداشت دولت ایران

## بسفارت کبرای شوروی انگلستان و امریکا

درواز سبوح، در سائده دولت یادداشتی به این شرح بسفارت کبرای شوروی، انگلستان و کشورهای متحد امریکا فرستاده است:

«دورن حضور ارتش بیگانه در این کشور اسباب اختلال کلی امور سلکت و باعث جلوگیری از اقدامات دولت برای اصلاح و ترمیم خرابی‌های وارد از جنبه جهانی باین کشور شده و آزادی عمل دولت را برای اجرای برنامه و نقشه‌ای که به منظور آسایش ملت تهیه نموده سلب کرده است و طرح این مسئله در کنفرانس وزیران خارجه که در قریباً در مسکو تشکیل می‌شود بسیار ضروری و فوری است و مطابق اصل هشتم عهد نامه سه جانبه مورخ ۱۳۰۱ زو به ۱۹۴۲ مورخ مذاکره و تصحیح راجع به امرای که مستقیماً با منافع ایران مرتبط باشد باید با مشاوره و رضایت دولت ایران انجام پذیرد.»

نظر دولت شاهنشاهی این است که با توجه به مفهوم اعلامیه سه دولت راجع به ایران مورخ اول دسامبر ۱۹۴۲ واجب است در این کنفرانس ملاصحه و تصحیح گرفته شود که نیروی سه دولت متحد و دست بطوریت تمام خاک ایران را تعالیه نمایند زیرا وجود فوای بیگانه در این کشور حا کایت ایران را متزلزل نموده و باعث اختلال ثبات آفر و سوابق پیشمار شده و افکار ملت ایران را تحت پریشان کرده و نظم کشور و آسایش مردم را بکنی سلب نموده چنانکه وقایع اخیر است آذربایجان روشن ترین نمونه آثار خرم توفیق ارتش خارجی می‌باشد که علاوه بر حرج موجب نظای غیرنظامی وجود ندارد که حتی بکروز دیگر هم نیروی سه دولت متحد و دوست در ایران توقف نمایند.

بدینوسیله است تا انجام این درخواست حقه دولت ایران در کنفرانس وزیران خارجه در مسکو و تخلیه فوری و کامل تمام ایران از نیروی خارجی برای اینکه اقدامات ضروری دولت در برقراری انتظام و آرامش در کشور پیش از این بتأخیر نیفتد و در اینر افتخار پیش از این توسعه نیابد مقامات نظای خارجی که فعلاً در ایران هستند باید به مایع آزادی حل و قلی و انتقال قوای نامینیه کشور گردند.»

غریب مردم همیشه سعی داشته‌اند یکی در اثر از احساس و افسوس مجهول الهویه، کسانی را که هیچ سابقه خدمت به ملت ندارند بنام قبیله‌های عراق در کابینه‌های خود هرکت دهند و حیوانات خنده آفری و جد اکثریت ملی خود را بدست این عناصر انجام دهند. یکی از این اشخاص عباس بیگ می‌باشد وزیر معارف سابق عراق در تهران و اولین وزیر معارف نامیده فوق العاده آن کشور در مسکو است پدر این شخص مهدی نامی است که در مسکو (تاسویان) زندان تا آخر عمر خود را گذرانده و ترفی نرخی را اداره می‌نمود و هیچگونه فعالیت اجتماعی و سیاسی نداشت، همچنین فرزند عباس معروف به «بچه» نیز بهیچوجه سابقه سیاسی نداشته و در ۱۴ سالگی به سبب عنوان منشی دفتر (بایگانی) سفارت عراق در تهران مشغول کار بود. در آسودع وزیر فرهنگ عراق محمد رضا الشیبی که از متفکرین و سرورین جنبه ها در عراق می‌باشد بر علیه حیلات آزادی کشی که بر ضد بعضی مشاعر جنبه از طرف کابینه‌های سابق باها انجام می‌گرفت اعتراض کرده و از کابینه استعفا داد، به نسبت وزیر وقت ارتش ترمیم کابینه خود تلگرافی به توفیق باها ارسال و وزیر معارف وقت عراق در تهران ارسال داشت که دستور تعیین عباس مهدی بیگانه کارمند دفتر هیئت وزیران در وزارت خارجه به جانشینی وزیر معارف متعین شود. برای اینکه موقعیت عباس مهدی را در دستکام دولتی بپوشی نشان داده باهم ناچور بوده بدینست این داستان فزین و لطیف را نقل کنیم.

به روز قبل از دریافت تلگراف مبرور، توفیق باها وزیر معارف وقت در تهران بران ناراضی که در یکی از کارهای معموله از عباس مهدی پیدا کرده بود دولت رومی را بست و برتاب می‌گفت و کت و هلواری عباس مهدی یکی رنگی می‌شود، روز بعد که وزیر معارف نامبرده را برای ابلاغ دستور تلگرافی نسبت وزیر عراق کرد خود احتضار می‌گردد عباس مهدی باور نکرده این موضوع را حل بر مشرفه می‌گردد و با حال گریه به او می‌گوید «آخر چنان وزیر دروز لباس مرا ضایع کرده و امروز هم مرا در مشرفه قرار میدهند ترا بدهد دست از من بپارند بردار.»

این بود یودی که از طرف تهاست و از طرف جمال استعمار و قیاسیست نمایانوارلی همین عباس مهدی بود که برای انجام همه گونه مقاصد و نظریات امپریالیستی و طبقه حاکم دست نشانده آن حاضر شده و موقتی که دست وزارت هدلی عراق را اشغال کرده بود لایحه «قانون

# دسیسه چمبرلین-هیتلر

پایه از صفحه ۱۴

ولی البته این «معتقدات» مانع نمی‌شود که اگر هانس نگاهداری ارتش آلمان و نجات دادن جان خودش را به ایند «بیشوای محبوب خود» را بسپارد انتقاد بگیرد.

کیتل می‌خواهد ثابت کند که فرماندهی عالی آلمان بیگانه است و تمام مسئولیت ها متوجه هیتلر می‌باشد و زوال ملی آلمانی هرگز تصدیه تهاست نداشتند.

ولی بسیاری از گفته های کیتل، حقایق تاریخی را که از ملاحظه وقایع پیشین نتیجه گرفته شده بود تاید کرده با افسانه معاضقه کاران که مدعی هستند چمبرلین با صلح و انتشار از مونیخ بازگشت نمود.

کیتل حتی عقیده داشت که اگر چکوسلواکی هنگام اشغال ارتش خود را بسپار کرده بود ۶ ماه قبل از اتمام مونیخ اذکالات بزرگی برای هیتلر ایجاد می‌نمود.

هانس اشاره کرد که در آن هنگام چکوسلواکی دارای استقامتات نیرومند و ارتش آژموده و مسلح تا ۳۵ لشکر بود.

در اینصورت چه باعث شد که چمبرلین چکوسلواکی را در مونیخ قربانی کرد.

چمبرلین تاریخ کاملاً جواب سربالایی معاضقه کاران را نمی‌تواند بدهد چمبرلین فرستی برای هیتلر بود که کراسی سده نامه تکیب می‌گردد زیرا در این معامله فقط هیتلر فرست دست آورده و امتیازات بزرگ استراژیکی کسب نمود.

در اینصورت آیا باید پذیرفت که چمبرلین تسلیم بلوف هیتلر شده و مرتکب اشتباه بزرگی گردیده ؟

اگر این نظریه را قبول کنیم باید در ضمن بپذیریم که چمبرلین و مشاوران نظامی او موفقیت نظامی و استراژیکی چکوسلواکی از تضاد هانی که در فرماندهی آلمان موجود بود، از آساده کی هوروی پانیکه تعهدات خود را به یک جنبه متعده دو کراتیک بر علیه نازیها اجرا نماید کاملاً بی اطلاع بودند.

مطمناً در اینکدار و دست چمبرلین احسن بوده اند، هیچ تردیدی نیست ولی تا باین اندازه هم نتواند تصور کرد مسئله اساسی اینست که آیا مقصد نهایی قرارداد مونیخ چه بود ؟

کیتل اقرار کرده که مقصود از این قرارداد طرد کردن هوروی از امور سیاسی اروپا بود و چکوسلواکی بسزله یک پایگاه نظامی برای هوروی تصرف نموده که نتایج خطرناک استراژیکی در برخواهد داشت.

این تصور بود که چمبرلین در مونیخ تقییب نموده باینکه غول نازی که خود در ایجاد آن کتله کرده بود بطرف خاور متوجه می‌شود و باختر اشتهای چمبرلین اتوانی او بهیم اینست حقیقت بود که تروسی و نجاتی دادند وی و دلایله در مونیخ نشان دادند برای هیتلر بزرگترین متوجه است که خود را بطرف باختر متوجه نماید.

## آخرین اخبار رادیو

پایه از صفحه ۱۴

در جاوه دولت جمهوری اتواری همدی بنام «چامبر» را بر ممالک سوماترا تعیین کرده و این همدی وارده سوماترا شده است. وی به سبب این جرایم متعین کت که فقط با او تهاست مذاکره خواهد کرد و بهیچوجه حاضر بشد اگر با متعدها و با انگلیسها نیست زیرا که سوماترا یکی از شهرتانی جمهوری اتواری است.

## در هندوستان

امروز در هندوستان بزرگترین مجمع سیاسی با هر کت ۱۵۰ نفر نماینده هفتاد ملیون هندی نوس (پارلی) تشکیل یافت.

در باره کشر انس مسکو متر برسی دروز سوی مسکو برواز کرد و ستر بون هم تهاست (چمبر) حرکت خواهد کرد.

بته از صفحه ۱۴

به تست از گزارش صاحب رسی با کیتل در اینجا نقل می‌شود، ستوال- هنگام برسان مونیخ آیا آلمان برای جنگ جهانی حاضر بود ؟ کیتل - نه، زیرا در آن موقع ما هیچگونه آمادهگی استراژیکی نداشتیم

ستوال- اگر فرانسه و انگلستان با پیشنهاد های مونیخ موافقت نمی کرده آیا آلمان بواره آورده بود ؟ ضربه نظامی دست مبرور ؟

کیتل - بنظر من تصور این امر مشکل بود زیرا ما اسلحه که قبل از آن ما در آن هنگام برای جنگ حاضر بودیم مخصوصاً اگر فرانسه تعهدات کتله خود را با چکوسلواکی اجرا می‌نمود ؟

کیتل اظهار داشت که وقتی نیرو های آلمان در مارس ۱۹۳۸ ارتش خود اشغال کرد خطر بسج چکوسلواکی مورد بحث بود و خود او بهیچتر اطلاع داد که اگر چکوسلواکی بسج کرده آلمان قادر بقبایله با آن نخواهد بود و نخواهد توانست ارتش را اشغال کند.

کیتل در برچسکان، گودسبرگ و مونیخ هنگام ملاقات چمبرلین و هیتلر حضور داشت ولی برقراری که می‌گوید در دستجات حرکت نداشته است.

ستوال- آیا هیتلر قبل از ملاقات هایش با چمبرلین راجع با مسئله نظامی آلمان با شما مشورت کرده ؟

کیتل- تا ۱۴ می بدینست از احتیالات نظامی مطلع بود و می‌دانست که در مونیخ برسان مونیخ، بهیچ وجه برای جنگ حاضر نبودیم.

ستوال- چکوسلواکی در آن موقع حاضر بود ؟

کیتل - نه، زیرا یکدسته دیگر هم تاید می‌کنند آلمان هنوز آماده برای جنگ نبود.

ستوال- اگر بریتانیای کبیر، فرانسه و هوروی خود را طردند چکوسلواکی را با مفاکرات با آلمان و ایتالیا را که متعدها مونیخ شده بود می‌توانستند چه نتایجی از نظر نظامی بظهور می‌رساند ؟

کیتل - بر علیه چنین دسته بندی وسائل نظامی آلمان بهیچ وجه کافی نبود. در چنین هنگامی ضربت زدن جز دیوانگی چیز دیگری نبود.

ستوال- آیا منظور سیاسی قرار داده مونیخ بران اتحاد هوروی از جنبه سیاسی اروپا بود ؟

کیتل- آری. صحیح است. زیرا چکوسلواکی را بسزله یک پایگاه نظامی برای هوروی می‌توانستند کسب کنند. نظر اکثرین نتایج استراژیکی را بظهور رساند.

در روز بعد کیتل به صحبت های خود جمله زیر را اضافه کرد:

« من می‌خواستم به ایتالیایی که دیروز درباره همگام نبودن آلمان در آن هنگام اظهار داشتیم اینرا اضافه کنیم که اگر بجای کشر انس مونیخ اتحادی بین انگلستان و فرانسه و هوروی برقرار شده بود برای هیتلر امکان نداشت که ضربت نظامی وارد آورد.»

## اظهار تشکر

از آقایان منترمی که در مبرور - جنبه دوا فوب خلا و قدا مساعدت فرموده اند اظهار تشکر نموده ضمناً برای استماع مصابح امام حسین (ع) بر حسب معمول سه ساله از مبرور روز تا نظیر به یکدیگر در دعوت می‌نمایند و از آقای حاج میرزا معاضقه و حافظ درجه ۱ استفاده فرمایند.

ش. ۲-۱۶

از طرف اهالی دز او ب رضا حبیبی







